

افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی - کابل

۱۸ مارچ ۲۰۲۳

اعتراف عاجزانه مولوی "عبدالحمید"!

«ملت ایران رنگین گمانی است، اما نگاه دینی نتوانست بین این اقوام برابری و مساوات برقرار کند.»

جمعه - ۲۶ حوت ۱۴۰۱ - کابل: امروز فرصتی دست داد و خواستم اندکی خود را با رسانه های رسمی دنیای امپریالیستی مصروف بسازم. در صفحه "بی. بی. سی." مختصر گزارشی بود از خطبه نماز جمعه مولوی "عبدالحمید اسماعیل زهی" خطیب اهل سنت نماز جمعه زاهدان. مولوی مذکور ضمن بقیه صحبت هایش با انتقاد از کارکرد رژیم ولایت فقیه، با عجز و درماندگی تمام اعتراف نمود که در کشوری مانند ایران که متشکل از اقوام، زبانها و مذاهب مختلف است، گرایش های دینی و دینی-امنیتی نتوانست برابری و مساوات بین اقوام به وجود بیاورد.

مطالعه این اعتراف عاجزانه که امیدوارم صادقانه بیان شده باشد، باعث شد تا بدین فکر نمایم که برای بار اول چه زمانی و از زبان چه کسی، به نقش منفی مذهب، دین، زبان و قوم در تشکل یک ملت واحد در یک کشور کثیر الاقوام برخورد کرده ام. بعد از اندکی تأمل و کنکاش ذهنی به خاطر آمد که برای بار نخست به این نکته در مصاحبه ای از استاد "موسوی" با یکی از متصدیان نستوه و رزمنده پورتال خانم "نسرین معروفی" زیر نام "هویت ملی" که قبل از ایجاد پورتال "افغانستان آزاد-آزاد افغانستان" داشت و از طریق "افغان-جرمن آنلاین" پخش شد، مطرح شده بود.

در آن مصاحبه که نخستین آشنائی من با طرز دید "خانم معروفی" و "استاد موسوی" از همانجا آغاز یافت و بعد ها از طریق "افغانستان آزاد-آزاد افغانستان" عمیق تر شد، "استاد موسوی" در پاسخ به یکی از سوالات هدفمندانه و جهت دار "خانم معروفی" گفت: «در برخی از کشورها عناصر زبان، مذهب و قوم باعث شده است تا کشور واحدی به وجود آمده در طی زمان وحدت ملی در آن کشورها به وجود آید، مگر در افغانستان متأسفانه این مسأله عکس سایر کشورها عمل می نماید، یعنی عوامل و عناصر زبان، مذهب و قوم به جای آن که محورهای وحدت ملت گردند، عامل افتراق گردیده اند، از همین رو در افغانستان هرگاه خواسته باشیم صادقانه و مصممانه به سمت وحدت ملی حرکت نمائیم، باید این جرأت را پیدا نمائیم که با عبور و با زیر پای کردن عناصر مذهب، زبان و قوم به طرف وحدت ملی حرکت کنیم» - نقل به مضمون-

یادم می آید و قتی در آن زمان یعنی ۱۸-۱۹ سال قبل این حکم را خواندم از دو جهت به جرأت هر دو طرف مصاحبه آفرین گفته، حرفهای شان را به بررسی گرفتم. در اینجا متوجه شدم که "استاد موسوی" در دو زمینه واقعاً جرأت به خرج داده اند، یکی این که در کشور اسلام زده ای مانند افغانستان که مدعیان چپ و کمونیسم آن با "الله و بسم الله" به

سخن آغاز و با "من الله توفیق" آن را خاتمه می دهند، طرح عبور از عناصر "زبان، مذهب و قوم" واقعاً جرأت می خواهد، در ثانی عنصری را که تا حال اکثر جامعه شناسان بستر تشکیل ملت ها و تأمین وحدت ملی دانسته اند، به یک باره زیر سؤال بردن باز هم جرأت مضاعف می خواهد. این که تحقیق و مطالعه سرانجام به چه ختم شد، فکر می کنم لازم به توضیح بیشتر ندارد چه همین که امروز در کنار سایر همکاران پورتال در حد توان قلم می زنم، خود می رساند که روند تحقیق و مطالعه من را هم به حقانیت طرز دید آن دو تن از متصدیان پورتال معتقد ساخت. تنها ضرری که از این اعتقاد نمودم، زیر سؤال رفتن تمام آن چیز هائی بود که در جریان تحصیلات و کار رسمی آموخته بودم. برگردیم به گفته های مولوی "عبدالحمید".

اعتراف عاجزانه و از روی ناگزیری امروز مولوی عبدالحمید هر چند مستقیماً در مورد ایران گفته شده است، مگر واقعیت قضیه این است که حکم وی می تواند در مورد تمام کشورهای که محل سکونت اقوام متعدد اند و یا به تعبیر فوق العاده زیبای "استاد سخن آقای خلیل الله معروفی" حیثیت "گلستان اقوام" را دارند، صدق نماید. یعنی این حکم تنها در مورد ایران تحت زعامت "رژیم ولایت فقیه" محدود نمانده بلکه کشور های زیاد دیگری از جمله و طن خود ما افغانستان را نیز در بر می گیرد.

یعنی به سانی که تلاشهایی ارتجاعی و ضد ملی "رژیم ولایت فقیه" جهت یک دست ساختن جامعه از طریق یک دست ساختن حاکمیت آنهم بر مبنای حذف سایر اقوام، مذاهب و زبانها ناکام مانده و دوام چنین سیاستی تمامیت ارضی و وحدت کشور ایران را زیر سؤال می برد، در افغانستان خود ما که باز هم بیش از چندین قوم، ده ها زبان و پیروان مذاهب مختلف در آن زندگانی می نمایم، تلاشهای یک دست سازی مذهبی و زبانی که امروز نظام ملاسالار رویدست گرفته، نه تنها ما را به طرف وحدت ملی سوق نمی دهد بلکه همه شاهدیم که جم غفیری از افراد ناآگاه و فریب خورده، به جای آن که جنایات طالب در تمام عرصه ها را به طالب و طالبیسم که وابستگی غلیظ به استعمار و ارتجاع بزرگترین خصیصه آن می باشد نسبت دهند، دیده می شود که با تأسف آن جنایات فراموش ناشدنی را به یک زبان، یک مذهب و یک قوم نسبت داده، با صدای بلند از تجزیه و انشقاق کشور حرفی به میان می آورند.

هموطنان گرامی!

این که مولوی عبدالحمید که از "رژیم ولایت فقیه" انتقاد می نماید امروز سخنانش اینجا و آنجا شنونده های خاص خودش را دارد تا چه حد به گفته های خودش باور مند است و آیا عین اعتقاد را در مورد "مربی های امنیتی - استخباراتی" اش یعنی عربستان سعودی که با تمام قدرت می کوشد قبیله مسلمانان را قومی و مذهبی بسازد، دارد و یا خیر، باشد سرجایش و این که هرگاه فردا عین کلمات و جملات را در مورد مناسبات برادران پشتون و بلوچ ما به کار برد با زهم قابل شنیدن می دانند و یا خیر، باز هم باشد سرجایش؛ نکته مهم در گفته هایش این است که تجربه ثابت نموده در عصر حاضر هیچ گاهی سیاست یک دست سازی از هر طرفی که باشد، بقاء ندارد و نه تنها تعمیم آن ناممکن است بلکه کشور ها را به طرف تجزیه و پراگندگی محتوم سوق می دهد.

به نظر من زمان آن رسیده است که تمام کسانی که با مغز خود می اندیشند و اندیشه شان را چگونگی حفظ وحدت ملی، تمامیت ارضی، برابری و رفاه همگانی می سازد، باید این جرأت را بیابند تا جهت رسیدن به این اهداف واقعاً از عناصر مذهب، زبان و قوم عبور نموده با زیر پای نمودن آنها، بنیان یک افغانستان واحد و مستقل را پی ریزی نمایند.

با شعار مرگ بر طالب و نابود باد نظام ملاسالار به نبرد مان ادامه دهیم!
مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل
و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد
تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!